

عواقب افزایش کرایه خانه در جامعه

دکتر امان...قرایی مقدم، جامعه‌شناس معتقد است: طی یکی دو سال اخیر، اجاره‌بهای خانه به شدت افزایش پیدا کرده که این مساله عواقب و پیامدهای جدی به همراه دارد. یکی از مهم‌ترین بحران‌هایی که ایجاد می‌شود، افزایش آمار ارتکاب جرم و جنایت و انواع خلافتکاری از سطح خرد تا کلان در سطح جامعه است که این مساله، سبب ساز ابتلا به انواع مشکلات روحی و روانی و شخصیتی در افراد خواهد شد. بحث افزایش اجاره‌بها، صرفاً بالا رفتن عدد و رقم کرایه خانه نیست. با افزایش آن، از میزان آمار ازدواج کاسته شده و به طلاق افزوده خواهد شد. وقتی فردی شغل و منبع درآمد مناسبی در اختیار نداشته باشد و درآمدش کفاف هزینه‌های جاری زندگی‌اش را ندهد، چطور می‌خواهد ازدواج کند یا در صورت تاهل، چطور می‌تواند کرایه خانه را بپردازد. به همین دلیل است که ما گاهی شاهد وقوع اتفاقات ناگوار میان موجرو مستاجر هستیم. مدتی است گزارش‌هایی در خصوص خودکشی مستاجر یا قتل صاحبخانه‌ها و افزایش جرایم برای پرداخت کرایه خانه در اختیار مآقرار می‌گیرد که لازم است چاره‌ای برای آن اندیشیده شود. وی در ادامه به دیگر آسیب‌ها اشاره کرد و افزود: «آثار منفی افزایش اجاره‌بها به این موارد منحصر نشده و حتی ممکن است افزایش موارد غیر اخلاقی مانند روسپیگری زنان را به دنبال داشته باشد تا به نوعی هزینه‌های زندگی خود را تامین کنند. ادامه چنین روندی، به طور قطع، نتیجه مطلوبی در پی نخواهد داشت و علاوه بر افزایش سطح نارضایتی، سطح اعتماد عمومی جامعه به دولت را به شدت کاهش خواهد داد و نارضایتی افزایش پیدا می‌کند. این نکته مهمی است که فرانسویس فوکویاما، مورخ و فیلسوف به آن اشاره و تاکید می‌کند دروغ درمانی، موجب اتی بی اعتمادی عمودی میان مردم و مسئولان را افزایش داده و به نارضایتی سیاسی منجر می‌شود. وقتی جامعه‌ای ناامید و مایوس می‌شود، باید برای آن فکری کرد. تنها راه آن نیز، عمل به آنچه می‌گویند است. نمی‌شود بگوییم گو جه‌فرنگی کیلو ۳۰ هزار تومان است و باید ارزان شود اما فقط به حرف بسنده کنیم. به عمل کار برآید نه به حرف.

افزایش اجاره‌بها و پیامدهای آن

دکتر ایوب میلکی، وکیل دادگستری و عضو هیات علمی دانشگاه هم افزایش اجاره بها را زنگ خطری برای جامعه می‌داند و می‌گوید: اخبار حاکی از افزایش نرخ اجاره‌بهای مسکن در ابتدای سال ۱۴۰۱ زنگ خطر و هشدار جدی برای جامعه محسوب می‌شود. این امر در شرایطی رخ می‌دهد که پیش از این، برخی مسئولان و کارشناسان فعال در این حوزه، ثبات و آرامش نسبی را بر بازار اجاره مسکن در سال جاری پیش بینی کرده بودند. استمرار این روند ناامیدکننده می‌تواند بخش قابل توجهی از جمعیت اجاره‌نشین و کم درآمد جامعه را به ویژه در کلانشهرهایی مانند تهران که حدود نیمی از جمعیت آن را مستأجران تشکیل می‌دهند، دچار بحران و سردرگمی مضاعف کرده و بنیان اجتماعی، اقتصادی، عاطفی و روانی خانوارهای کم بضاعت را متزلزل و زمینه را برای شکل‌گیری انواع انحرافات و آسیب‌های اجتماعی و روانی اعم از وقوع جرایم خشونت‌آمیز، افزایش سرقت، گسترش حاشیه‌نشینی، زورگیری، اخاذی، روسپی‌گری، خودکشی، توسعه بی‌نظمی و ناامنی اجتماعی، طلاق و... مهیا سازد. بنابراین با درک پیامدهای منفی این پدیده و با عنایت به این که انسان‌ها برای پیشرفت و تعالی، نیاز به امنیت و احساس امنیت دارند به نظر می‌رسد احساس امنیت روانی، اجتماعی و اقتصادی شهروندان اجاره‌نشین از موضوعات مهمی است که بی‌توجهی به آن می‌تواند پیامدهای منفی فراوانی را در پی داشته باشد.

در شرایطی که به زعم کارشناسان، تورم سنگین عمومی بر اقتصاد کشور سایه افکنده است، افزایش اجاره‌مسکن در کنار سایر بحران‌های معیشتی موجب شده تا سهم هزینه مسکن در سبد هزینه خانوارهای ایرانی به سطوح عجیب و بی‌سابقه‌ای برسد و بیش از نیمی از هزینه‌های خانوار ایرانی را به خود اختصاص دهد. این موضوع همان طور که در بالا نیز به آن اشاره شد به زعم متخصصان این حوزه در خوشبینانه‌ترین حالت می‌تواند منتج به حاشیه‌نشینی، استقرار در مسکن‌های بی‌کیفیت و محله‌های ناامن، کوچک شدن سفره خانواده‌ها، به حداقل رسیدن هزینه‌های تفریحی و در یک کلام کاهش کیفیت زندگی شهروندان شود.

به نظر می‌رسد هرچند برخی اقدامات مقطعی مانند بستن مالیات بر خانه‌های خالی بتواند در کوتاه مدت نتایج مثبتی به همراه داشته باشد، با این حال افزایش سیاست‌های نظارتی - کنترلی بر بازار نابسامان مسکن و توسعه منازل استیجاری توسط دولت به مثابه آنچه در اکثر کشورهای دنیا توسط نهادهایی مانند شهرداری‌ها یا شرکت‌های بزرگ سازنده رخ می‌دهد، شاید بتواند در این برهه زمانی پاسخگوی بخشی از نیازهای این قشر از جامعه باشد.

در این میان، نباید از مسئولیت‌نظارتی و حاکمیتی دولت در قبال بروز برخی پیامدهای اجتماعی ناشی از پدیده فوق غافل شویم، چرا که اگر فلسفه و هدف اصلی قواعد مسئولیت را پاسخگویی و جبران خسارت‌های مادی و معنوی اشخاص زیان‌دیده و ترمیم زیان وارده بر ایشان بدانیم، دولت و کارمندان دولت نیز از این قاعده مستثنا نخواهند ماند و نباید به بهانه برخورداری از حق مصونیت، مسئولیت آنها را در بروز و تشدید چنین وقایعی نادیده گرفت. اصلاح و بازنگری در قوانین فرسوده، ضعیف و ناکارآمد که خود زمینه‌ساز رشد فرهنگ قانون‌گریزی در میان برخی سوداگران بازار نابسامان مسکن است، ضرورت اجتناب‌ناپذیر دیگری است که باید مورد توجه مسئولان قرار گیرد.



تبدیل می‌شود. ما زمانی که خشمگین هستیم به دیگران آسیب نمی‌زنیم، اما وقتی این خشم کنترل و مدیریت نشود، به پرخاشگری تبدیل می‌شود که آسیب‌زننده است.

وی ادامه داد: عمده اتفاقات و حوادث رخ داده بین موجرو مستاجر هم ناشی از فشارها و استرس‌های زیادی است که فرد متحمل می‌شود. شما ببینید دلار هر روز گران‌تر شده و ارزش پول ملی کاهش پیدا می‌کند، هزینه‌ها روز به روز در حال افزایش است و حقوق دریافتی کارگرو کارمند به قدری ناچیز است که پاسخگوی هزینه‌های زندگی روزمره نیست. مجموع اینها متأسفانه موجب بروز واکنش‌های فعالانه مانند نزاع یا نزاع منجر به قتل و... می‌شود. در مواردی نیز وقتی فرد در حل مسائل روزمره مالی خود به بن‌بست خورده و تصور می‌کند هیچ راهی برای بهبود وضعیت فعلی وجود ندارد، خشم و پرخاشگری را معطوف به خود کرده و اقدام به خودکشی می‌کند.

این روان‌شناس درباره راهکار حل مشکل می‌گوید: حل این مسائل و معضلات به‌عهده بزرگان کشور و متولیان امور اقتصادی و سیاسی است که دریابند مردم نجیب ایران بیش از حد توان خود زیر فشار اقتصادی‌اند و قادر به رفع مشکلات مالی خود با حقوق‌های فعلی نیستند و حتی افزایش ۵۰،۶۰ درصدی حقوق‌ها هم گره کور مشکلات‌شان را باز نمی‌کند. بسیاری از افراد جامعه متأسفانه زیر خطر فقر یا گرفتار فقر مطلق هستند که این معضل باید به هر طریق ممکن، حال یا از طریق برجام، تعاملات بین‌المللی و... مرتفع شود. در صورت بی‌توجهی به حل معضلات، سطح ناکامی و نارضایتی به شدت افزایش پیدا کرده و امنیت عمومی جامعه مورد تهدید قرار می‌گیرد. این خشم اگر خاموش نشود، یک سیگنال منفی برای حاکمیت است که با کوچک‌ترین بهانه‌ای مانند گرانی بنزین، شعله‌ور شده و به اعتراضات اجتماعی وسیع تبدیل خواهد شد.

تا کرایه خانه‌ام را پرداخت کنم، هیچ وقت سراغ سرقت نمی‌رفتم. حالا هم نگران همسرم هستم که بعد از من می‌خواهد چه کند.

چادرنشینی قهرمان اسبق

چادرنشینی قهرمان اسبق وزنه‌برداری کشور هم از آن ماجراهایی است که دل بسیاری از مردم و ورزش‌دوستان را به درد آورد. او با این که قهرمان کشوری بود، اما اجاره بهای بالای خانه هم یقه او را گرفت و از شهرنشینی در کرج به حاشیه‌نشینی روی آورد. مرد ۵۰ ساله‌ای که به گفته بسیاری از دوستان او، سال‌ها با عزت و آبروزندگی کرده بود، اما چون درآمدش کفاف پرداخت اجاره خانه را نمی‌داد از روی ناچاری همراه خانواده‌اش در ابتدای جاده چالوس چادر زد. با این حال مهربانی مردم کرج اجازه نداد تا قهرمان‌شان چادرنشین باشد و با همکاری سایر شهروندان شمالی برای او و خانواده‌اش سرپناهی تهیه کردند.

استرس اقتصاد در جامعه

دکتر حمید یعقوبی، روان‌شناس و عضو هیات علمی دانشگاه شاهد افزایش اجاره بها را در کشور، یکی از زمینه‌های افزایش استرس در جامعه می‌داند و می‌گوید: مشکلات اقتصادی یکی از مهم‌ترین مسائل استرس‌زای حال حاضر جامعه ایران است. استرس زمانی رخ می‌دهد که بین مقتضیات محیطی و توانمندی فردی فاصله ایجاد شده و شخص قادر به برآورده کردن انتظارات دیگران نباشد. یعنی روند تصاعدی هزینه‌های زندگی در تمام بخش‌ها با درآمد شخص هیچ تناسبی ندارد و در چنین شرایطی چون بین توانمندی و مقتضیات فاصله ایجاد شده است، فرد به شدت تحت تأثیر فشار و استرس ناشی از آن قرار می‌گیرد. در این حالت، شخص توانایی تصمیم‌گیری و حل مساله را ندارد و در نتیجه این ناکامی، خشم فروخورده او به پرخاشگری